

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۲ - ۲۷۵

جستاری در مبانی اندیشه‌ای مسئولیت‌پذیری و انجام تعهد در صورت اجمال منشأ

سیف‌الله گلیجانی مقدم^۱

اسدالله لطفی^۲

محمود قیوم زاده^۳

چکیده

از جمله مباحث مطروحه در حوزه مسئولیت‌مبانی فکری و اندیشه‌ای مطرح در این زمینه می‌باشد. این نظریه از سوی فقهای امامیه مطرح شده است که در صورت توجه مسئولیت و تعهد به افراد مختلف چه میزان پابندی به اعتقادات در انجام تعهد و مسئولیت‌پذیری دخیل است که جهت انجام صحیح تعهد و پابندی به مسئولیت بر اساس نگاه اعتقادی می‌توان مسئله را به سامان رساند. آنان معتقد بودند که هرگاه عوامل متعدد به طور مشترک صدمه یا خسارتی را ایجاد کنند، مسئولیت جبران آن بدون توجه به میزان تقصیر یا تأثیر طرفین، به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

لکن میزان دخالت اعتقاد و مبانی اندیشه‌ای در پابندی به انجام وظیفه و مسئولیت‌پذیری امری است که دارای ابهامات بسیار بوده و سوالات متعدد در این زمینه ایجاد نموده است. در پژوهش حاضر به مسئله تعهد و مسئولیت‌پذیری از این نگاه پرداخته شده و دستاوردهای مهمی را در پی داشته است.

واژگان کلیدی

مبانی اندیشه‌ای، باورها و اعتقادات، مسئولیت‌پذیری، پابندی به تعهد.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: i.lotfi@yahoo.com

۳. استاد گروه معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
Email: maarefteacher@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۵/۱۵

طرح مسأله

اگرچه بیشتر حقوق‌دانانی که در عرصه مسئولیت مدنی تالیفاتی داشته‌اند، بدون اینکه اظهار نظر نهایی داشته باشند، صرفاً نگاه مختصر و اجمالی به آن داشته و با ارائه چند نظر گوناگون از آن گذشته‌اند. امام مولفینی نیز بوده‌اند که در تالیفات خود، در نهایت قرعه را راه گشای مسئله دانسته و معتقدند باستناد به قاعده قرعه، می‌توان مسئول جبران خسارت را شناسایی نمود.

یکی از مولفین حقوقی در این باره می‌نویسد: «می‌توان با طرح قرعه یکی از افراد داخل گروه را مسئول جبران خسارت ناشی از فعل زیانبار محسوب نمود و نمی‌توان حکم به مسئولیت تمام افراد گروه نمود.»^۱

قاعده قرعه علاوه بر اینکه در فقه مطرح شده، در حقوق موضوعه ما نیز راه یافته است. در قانون مدنی در مصادیقی چون تقسیم سهم آب در جایی که حق تقدم محرز نیست (ماده ۱۵۷ ق.م.)^۲ و تعیین سهم در مال مشترک در صورت عدم تراضی (ماده ۵۹۸ ق.م.) از قرعه سخن به میان آمده است. مهمترین و پر بحث‌ترین مصداق قانونی قرعه، ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق است. این ماده که مستفاد از فتاوی امام خمینی (ره)^۳ مقرر می‌داشت: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته

۱. علیرضا، باریکلو، ص ۱۲۵

۲. ماده ۱۵۷ قانون مدنی: هرگاه دو زمینی در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی بر دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تأخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زد و اگر آب دکنر کاتوزیان به اعتبار همین ماده معتقد است که قاعده ی قرعه را هرگاه «کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقدم می‌کنند همه قواعد حقوقی و عرفی به پایان رسد می‌توان به عنوان آخرین راه علاج پذیرفت: از ماده ۱۵۷ ق.م. چنین استنباط می‌شود که هرگاه در تشخیص حق مورد نزاع نتوان به وسیله هیچ یک از قواعد حقوقی و عقلی و عرفی راه حلی پیدا کرد، آخرین راه حل مشکل برای فصل خصومت توسل به قرعه است. (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. ذیل ماده)

۳. امام (ره) در پاسخ به این پرسش که «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است، چه باید کرد؟ بر قاتل بودن یکی نباشد و نوبت به دیه برسد، دیه را با قید قرعه از یکی می‌توان گرفت» - کریمی، حسین، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، جلد ۱، قم، انتشارات شکوری، ۱۳۶۵، ص ۱۷۰.

است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی از آن دو اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو گرفته می‌شود.» همان طور که قبلاً اشاره کردیم، این ماده در قانون قصاص و دیات سابق وجود نداشت و وضع آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ یکی از ابتکارات قانون‌گذار محسوب می‌شد.

بررسی حکم مسئله از راه قرعه، یکی از راه‌های موردنظر تعیین شخص مسئول است. بر این اساس، قاضی، به ناچار و برای جبران خسارت زیان دیده که به طور قطع و بر مبنای علم اجمالی لازم است انجام گیرد و نیز برای رهایی از ایرادهای وارد بر نظری‌های که صرفاً به علم اجمالی مستند باشد، باید یک نفر را به حکم قرعه ملزم به جبران کند؛ به ویژه آنکه طبق گفته مشهور، قرعه، راه حل هر امر مشکلی است. نظر برخی از فقیهان و حقوق دانان، در موارد مشکل، یعنی جایی که دلیل شرعی و قانونی معتبر برای خروج از شبهه و اجمال وجود ندارد، قرعه یکی از راه‌های معتبر است^۱ خروج موارد متعددی از موضوع‌ها از قلمرو آن، موجب تضعیف اعتبار آن نیست؛ زیرا خارج بودن موارد مذکور، نه به دلیل تخصیص اکثر موارد، که قبیح و غیرعقلایی است، بلکه به دلیل خروج تخصصی آنهاست؛ بدین معنا که موارد مذکور از ابتدا جزو قلمرو قاعده قرعه نبوده‌اند تا سپس با ورود دلایل خاص، از شمول^۲ آن بیرون آمده باشند.

در اینکه چگونه ممکن است قرعه درست درآید، دو احتمال داده شده است: اول اینکه خداوند دخالت می‌کند و ما را به حقیقت رهنمون می‌کند؛ زیرا خود در قرآن می‌فرماید: «بل یداه مبسوطان»^۳ دوم اینکه، قرعه حجت است؛ چون از ائمه اطهار(ع) روایت شده است که در هر مجهولی می‌توان از قرعه سود جست. می‌توان گفت قرعه نه به دلیل کشف از واقع، بلکه به سمت حل و فصل اختلافات حجت شمرده شده است^۴ در مورد

۱. مراغه‌ای، میر عبدالفتاح، العناوین، جلد اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱

۲. محمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱

۳. سوره مائده، آیه ۶۴

۴. محمدی، پیشین

حکمت قرعه گفته اند برای جلوگیری از کینه و پرهیز از ترجیح بدون دلیل و راضی شدن به قضای الهی، در موردی که حقوق و مصالح افراد باهم مساوی اند و بیم آن می رود که بین آنها اختلاف شود، تشریح شده است. به طور خلاصه، قرعه در شبهات موضوعیه مقرون به علم اجمالی که احتیاط در آنها راه ندارد یا ممکن نیست جاری می شود.^۱

بنابراین، قرعه در شبهات حکمیه و موضوعیه بدویه، قابل استفاده نیست؛ زیرا در این شبهات به وسیله سایر اصول و امارات می توان شبه را دفع کرد، حال آنکه استفاده از قرعه مشروط به وجود بن بست کامل است. از این رو، هرگاه طریق دیگری برای حل مشکل پیدا شود، نمی توان از قرعه استفاده کرد.^۲

انجام قرعه در اسباب مجمل

در فرض اسباب مجمل، برخی از فقیهان از جمله امام خمینی (ره) معتقدند برای تعیین سبب مسئول باید به قرعه تمسک جست؛ زیرا موضوع مصداق امر مجهولی است که نه تنها هیچ دلیلی قطعی یا ظنی برای روشن کردن آن وجود ندارد، بلکه مجرای هیچ اصل عملی نیز نیست. امام (ره) در پاسخ به این پرسش که «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است، چه باید کرد؟» گفته است:

با گفته یک نفر، قاتل بودن ثابت نمی شود و در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از دو نفر معین، اگر حجت شرعی بر قاتل بودن یکی قائم نشود و نوبت به دیه برسد، دیه را با قید قرعه از یکی می توان گرفت.^۳

آیت الله مرعشی نجفی در مورد مشابهی که دو نفر جرحی به شخصی وارد می کنند و جرح یکی از آن دو به قتل مجنی علیه منجر می شود، بدون اینکه معلوم باشد امر جرح علت مرگ است، برای تعیین قاتل قائل به قرعه شده است.^۴

در مقررات کیفری فعلی نیز قرعه برای تعیین مسئول پرداخت دیه طی ماده ۳۱۵

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن ۱۴۰۱، قواعد فقهیه، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: موسسه عروج، ص ۱۸۸

۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ق، قواعد الفقهیه، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، جلد ۲ ص ۴۱۱

۳. کریمی، عباس، ادله اثبات دعوا، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۱۶۳

۴. نجفی، ۱۳۷۴، ۱۵۶

ق.م.ا. پیش بینی شده است «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه، دیه از یکی از آن دو گرفته می شود»

با استناد به این ماده و اخذ وحدت ملاک از آن، مسئله منازعه را نیز می توان با قرعه حل کرد. در این ماده، شبهه بین دو نفر عنوان شده است که ظاهراً این قید موضوعیت نداشته و تعداد بیشتر از آن را نیز شامل می شود. زیرا مبناى ماده، فتاوى معتبر و قاعده^۱ «القرعه لكل امر مشكل» است و ذکر عدد دو به عنوان حداقل می باشد^۱ و لازم نیست حتماً دو نفر باشند. با این توضیحات، انجام قرعه برای تعیین مسئول پرداخت خسارت از این نظر مورد اشکال واقع شده است که نفس قاعده قرعه و حجیت آن، به دلایل محکم و متقنی متکی نیست و بسیاری از فقیهان، از جمله آیت الله صافی گلپایگانی آن را قاعده‌ای سست و متزلزل می دانند. چند سبب^۲ اشاره کرد. در این مسئله نیز با آنکه میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد و آرای متعددی صادر شده است، مانند ضمان سبب مقدم در وجود خارجی، ضمان سبب مقدم در تأثیر، ضمان سبب متأخر در تأثیر و اشتراک در ضمان، با این حال هیچ یک از فقیهان نظریه قرعه را نپذیرفته اند. یکی از فقیهان محقق می گوید:

روشن گردید که حکم در اجتماع دو سبب، منحصر در ترجیح دادن یکی از آنها بر دیگری است، نه اشتراک هر دو سبب در ضمان. در صورتی که ضمان یکی از دو سبب، ترجیح داده نشود، حکم به قرعه یا تخییر در انتخاب یکی از آنها داده می شود، ولی هیچ فقیهی را که یکی از این دو راه اخیر را پذیرفته باشد، نمی یابیم. بنابراین، تمسک به چنین قاعده ای برای حل مشکل منطقی نیست. برخی از نویسندگان معاصر نیز با رد انجام قرعه در تعیین سبب مسئول در بین اسباب مجمل، به قیاس تمسک جسته و ضمن مقایسه

۱. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، نشر میزان، جلد ۱، ص ۱۵۹

۲. صفری، محسن، پاک طینت، حسن، ۱۳۸۹، مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت‌ها و کارکردها، فصل نامه حقوق،

موضوع با اجتماع اسباب واقعی و تذکر این نکته که در فرض اخیر هیچ کس از فقیهان و علمای حقوق قائل به قرعه برای تعیین سبب مسئول نشده‌اند، در فرض اجتماع اسباب مجمل نیز انجام قرعه را غیر قابل پذیرش دانسته‌اند.^۱ هرچند به نظر می‌رسد قیاس مذکور درست نباشد؛ زیرا در فرض اجتماع اسباب واقعی، یقین به سببیت هست و هدف صرفاً شناخت سبب مؤثرتر در وقوع زیان است اما در بین اسباب مجمل، چون هیچ راهی برای شناخت سبب واقعی وجود ندارد، تمسک به قرعه می‌تواند توجیهی داشته باشد. با وجود این، این امر به منزله تأیید روش قرعه در شناخت سبب مسئول از بین اسباب مجمل نیست؛ زیرا که انجام قرعه برای تعیین سبب مسئول در فرض اسباب مجمل، عملاً ممکن است به نتایج ناعادلانه و غیرمنطقی برسد، برای مثال، چنانچه علم اجمالی به اینکه خسارت وارده به دو نفر به وسیله دو نفر دیگر وارد شده باشد، بدون اینکه معلوم باشد خسارت کدام یک از زیان دیدگان به وسیله کدام عامل زیان ایجاد شده است، اقتضای قاعده قرعه این است که برای تعیین مسئول جبران خسارت هر کدام از زیان دیدگان، جداگانه قرعه کشیده شود؛ چون دوبار قرعه کشی صورت می‌گیرد، چه بسا هر دو بار قرعه به نام یکی از اسباب مجمل درآید، که این نتیجه را نمی‌توان پذیرفت. افزون بر این، در تعیین مسئول جبران خسارت در منازعاتی نیز که مرتکب اصلی صدمات در آنها مشخص نیست، این مشکل وجود دارد.

منطقی است که این سبب را نمی‌توان با قرعه مشخص کرد.

جبران خسارت زیان دیده از بیت المال

برخی از حقوقدانان جبران خسارت توسط بیت المال را یکی از راه‌های برون رفت از مشکل، تعیین مسئول در سببهای اجمالی دانسته‌اند که البته قانون‌گذار نیز در پارهای از مواد در قانون مجازات اسلامی با آن‌ها همگام شده است.

اگر نه موضوع جبران خسارت توسط بیت المال و مسئولیت دولت در جبران خسارت حتی در موردی که خسارت ناشی از دولت باشد مثل دستگیری و زندانی کردن

متهم بی گناه، در قرون گاشته در اکثر نظام های حقوقی مطرح نبوده است. در برخی از کشور ها مثل انگستان نیز به علت وجود اصل « پادشاه خطا نمی کند » مسئولیت دولت اصلا پذیرفته نشده بود و اصولا تقبل مسئولیت از جانب دولت ها غالبا " خوشایند آنها نبوده است.

اما با مطالعه کتاب های تاریخی اعم از تاریخ عمومی و تاریخ حقوق و تتبع در منابع مربوطه می توان از چهار حکومت و دین نام برد که به نوعی به این مسئله پرداختند: ۱- حمورابی؛ ۲- هانی؛ ۳- شریعت یهود و اسلام.

قدیمی ترین قانونی که اینک در دسترس ما است و جبران دولتی خسارت در آن نمود دارد، قانون حمورابی است که متعلق به حدود قرن هفده پیش از میلاد است. جبران خسارت زیان دیده از بیت المال در موارد متعددی در حقوق اسلامی پیش بینی شده است؛ برای نمونه، چنانچه جسد شخصی در شارع عام پیدا شود و هیچ گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا اشخاص در دسترس نباشد، دیه او از بیت المال پرداخته می شود. افزون بر این، در مورد کسی که در اثر ازدحام به قتل برسد و قرائن ظنی بر انتساب قتل او شخص یا جماعتی نباشد^۱ دیه از بیت المال پرداخت می شود. البته قاعده کلی آن است که هرگاه مسلمانی را کشته بیابند و قرائن ظنی برای قاضی درباره قتل او به شخص یا اشخاص معینی وجود نداشته باشد، دیه او از بیت المال پرداخت می شود که ماده ۲۵۵ ق.م.ا. شاهد بر این مدعاست. دیوان عالی کشور موردی را که فردی در اثر تصادف کشته شده است و راننده مقصر فرار کرده است، از مصادیق ماده ۲۵۵ ق.م.ا. دانسته و به واسطه نامعلوم بودن قاتل و از به منظور هدر نرفتن خون مسلمان، می توان به مسئولیت بیت المال در خصوص دیه قاتل شد. از جمله موارد پرداخت دیه از بیت المال، موارد مطروحه در مواد ۵۸-۲۳۶-۲۴۴-۲۵۵-۲۶۰-۳۱۲-۳۱۳-۳۳۲ قانون مجازات اسلامی است. بدیهی است که در همه موارد، پرداخت دیه از بیت المال منوط به مطالبه اولیا دم می باشد.

البته احکام و مواد مذکور، مبتنی بر قاعده لاضرر و به منظور تضمین حق زیان دیده وضع شده اند؛ زیرا اضرار به دیگران، و حتی به خود نارواست. پس باید در درجه نخست ریشه ضرر از بین برود و آنگاه تا جایی که امکان دارد، وضع زیان دیده به صورت پیشین خود برگردانده شود. حال اگر زیان دیده با حجر یا اعسار فاعل زیان روبه رو شود، می‌توان از ابزارهای کمکی استفاده کرد. همچون رجوع به عاقله، که قانون‌گذار تمهیداتی را اندیشیده است که در پاره ای از موارد، عاقله یا دولت باید زیان‌ها را جبران کند.

چنان که در ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.» با توجه به حاکمیت اصل شخصی بودن مسئولیت^۱، هر کس مسئول جبران زبانی است که منتسب به خود وی باشد و قرار نیست شخص ثالثی مسئول زیان منتسب به دیگری باشد. به عبارت دیگر هر فردی باید شخصاً پاسخگوی عواقب ناخوشایند اعمالی که از او صادر شده است، باشد و ممکن نیست این بار به دوش دیگری قرار گیرد. به عنوان استثنایی بر این اصل در شرایط خاصی، شخص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به فعل زیانبار دیگران مسئولیت می‌یابد که مسئولیت بیت المال نمونه بارزی از استثناء وارده بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. پیشینی این مسئولیت برای بیت المال بر اساس مبانی مختلفی صورت گرفته است که بارزترین مبنای این مسئولیت در متون روایی و فقهی، قاعده «لایبطل دم امری مسلم»^۲ یا هدر نرفتن خون مسلمان، شناخته شده است. قصور و کوتاهی حکومت در تأمین امنیت شهروندان^۳ و وجود برخی از ملاحظات

۱. آیاتی از قرآن مجید نیز بر اصل شخصی و فردی بودن مسئولیت دلالت می‌کند، مانند آیه ۱۶۴ سوره مبارکه انعام «و لا تزر وازره وزر اخری»

۲. در برخی کتب روایی به جای عبارت «لایبطل دم امری مسلم». عبارت «لایبطل دم امری مسلم» آمده است که البته معنای هر دو عبارت یکی است. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جلد ۴، ص ۱۰۱

۳. در برخی روایات نقل شده دیه افرادی که در اثر آشوب و اغتشاش مصدوم یا مقتول گشته اند به عهده بیت المال است؛ مانند روایت سوار از امام حسن (ع): «: عَنْ سَوَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَ لَمَّا هَزَمَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ أَقْبَلَ النَّاسُ مُتَهَرِّمِينَ فَمَرُوا بِامْرَأَةٍ حَامِلٍ عَلَى الطَّرِيقِ فَفَرَعَتْ مِنْهُمْ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا حَيًّا فَاضْطَرَبَ حَتَّى مَاتَتْ ثُمَّ مَاتَتْ أُمُّهُ مِنْ

اجتماعی، سیاسی و عاطفی، از دیگر مبانی مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه است.

بررسی ماده ۳۶۵ ق.م.ا. به عنوان معیار تساوی مسوولیت

گاهی ممکن است چند عامل با افعال متعدد مباشرت در جرم نموده به طوری که جنایت محصول مجموع افعال آنها محسوب گردد، به نحوی که رابطه علیت بین فعل هر یک از آنان و جنایت حاصله ثابت باشد. به عبارت دیگر گاه چند عامل به نحو مستقیم و بلاواسطه باعث ورود خسارت یا جنایت علیه دیگری می شوند که در این صورت همه آنها به نحو مساوی مسئول می باشند. بنابراین تحقق این نوع مسئولیت به شرطی است که نتیجه زیان بار قابل استناد به عمل همه آن عوامل متعدد باشد، به عنوان مثال چند نفر با هم یک نفر را گرفته و از پرتگاهی پرتاب کنند و همین عمل منجر به فوت آن شخص و یا صدمات بدنی شود یا مثلاً دو نفر با ضربات متعدد چاقو باعث سلب حیات از دیگری شوند.

این اجتماع مباشرین متعدد در عرض همدیگر، گاه به گونه ای است که این عوامل باعث ایراد جنایت بر یکدیگر می شوند که در این زمینه امام خمینی (ره) در هر گاه دو نفر آزاد و عاقل و بالغ با یکدیگر برخورد کرده و: «تحریرالوسیله می فرمایند در اثر آن بمیرند، اگر قصد قتل یکدیگر را داشته باشند قتل عمد است و اگر قصد قتل یکدیگر را نداشته باشند و فعل هم غالباً کشنده نباشد، قتل شبه عمد است و ورثه هر کدام نصف دیه

بَعْدَهُ فَمَرَّ بِهَا عَلِيٌّ (ع) وَأَصْحَابُهُ وَ هِيَ مَطْرُوحَةٌ وَ وَكَلَدَهَا كَى الطَّرِيقِ فَسَأَلَهُمْ عَنْ أَمْرِهَا فَقَالُوا لَهْ إِنَّهَا كَانَتْ حُبْلَى فَفَزِعَتْ حِينَ رَأَتْ الْقِتَالَ وَ الْهَرِيمَةَ قَالَ فَسَأَلَهُمْ أَيُّهُمَا مَاتَ قَبْلَ صَاحِبِهِ فَقِيلَ إِنَّ ابْنَهَا مَاتَ قَبْلَهَا قَالَ فَدَعَا بِرُؤُوسِهَا الْكَافِي أَبِي الْغُلَامِ الْمَيِّتِ فَوَرَّثَهُ مِنْ ابْنِهِ ثَلَاثِي الدِّيَةِ وَ وَرَّثَ أُمُّهُ ثَلَاثَ الدِّيَةِ ثُمَّ وَرَّثَ الرَّوْجَ مِنْ أَمْرَاتِهِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ ثَلَاثِ الدِّيَةِ الْبَدِي وَرَّثَتْهُ مِنْ ابْنِهَا وَ وَرَّثَ قَرَابَةَ الْمَرْأَةِ الْمَيِّتَةِ الْبَاقِي ثُمَّ وَرَّثَ الرَّوْجَ أَيْضاً مِنْ دِيَةِ أَمْرَاتِهِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَ هُوَ الْفَلَانُ وَ خَمْسُمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ وَرَّثَ قَرَابَةَ الْمَرْأَةِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَ هُوَ الْفَلَانُ وَ خَمْسُمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَكَلَدٌ غَيْرُ الْبَدِي رَمَتْ بِهِ حِينَ فَرَعَتْ قَالَ وَ أَدَى ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْبَصْرَةِ (كليني، محمد بن يعقوب، لفروع من كافي، جلد ۷، ص ۳۵۴) در این روایت به مسئولیت بیت‌المال در برابر افرادی که در جریان آشوب و ناآرامی کشته شده اند تصریح شده است و حضرت علی (ع) در یک اقدام عملی، دیه مادر و طفل کشته شده را از بیت المال بصره پرداخت کرده اند.

دیگری را پرداخت می‌کند و نصف باقی مانده از هر دو ساقط می‌شود.^۱ در تأیید همین نظر مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات سابق نیز مباشرین را به طور تساوی عهده دار پرداخت دیه می‌دانست. ماده ۳۳۴ در موردی است که هر دو مباشر کشته شوند و ماده ۳۳۵ نیز در موردی است که یک نفر از مباشرین کشته شود. ماده ۵۲۷ قانون ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته است: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او پردازند.»

علت این موضوع که مواد پی‌شگفته قانون مصوب ۱۳۷۰، هر کدام از مباشرین را عهده دار پرداخت نصف دیه می‌دانستند، این بود که در اینجا مرگ مستند به دو عامل می‌باشد: یکی خود مقتول و دیگری عاملی که با مقتول برخورد داشته است. بنابراین نصف دیه به دلیل استناد جنایت به خود مقتول ساقط می‌شود و عامل دیگر فقط مسئول پرداخت نصف باقیمانده می‌باشد که به او استناد دارد. اما اینکه در فرضی که هر دو عامل (یعنی هر دو نفری که به هم برخورد می‌کنند) کشته می‌شوند، دو ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون قبلی هر کدام از دو عامل را عهده دار پرداخت نصف دیه دیگری می‌دانستند و تهاوت صورت نمی‌گرفت. آثار این موضوع در جایی آشکار می‌شود که آن دو عامل از یک نوع نباشند و میزان دیه آنها یکسان نباشد، مثلاً یکی از عوامل زن باشد و دیگری مرد. همچنین در موردی که یکی از مباشرین مسلمان باشد و دیگری غیرمسلمان. به نظر می‌رسد چنین تفکیکی به جهت دقت تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۷ به نحو شفاف تری انعکاس یافته است.

اما فرض دیگر اجتماع مباشرین متعدد در عرض هم، جایی است که آن عوامل

۱. خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۵۶۳.

متعدد به شخص ثالثی جنایتی وارد کنند. در این زمینه ماده ۳۶۵ قانون سابق نیز شایان توجه است. چرا که به نظر می‌رسد کلمه سبب در این ماده به معنای «باعث» به کار رفته و لذا این ماده نیز عوامل متعدد را به طور مساوی مسئول می‌شناسد. چنین استنباطی از تسبیب برگرفته از تعریف اصطلاحی سبب توسط برخی فقها است که تسبیب را هرگونه فعلی می‌دانند که موجب تلف شود.^۱ در حالی که طبق نظر برخی دیگر از فقها این تعریف اصطلاحی دقیق نبوده و شامل حالت مباشرت در جنایت یا تلف نیز می‌شود.^۲

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفاوت اساسی در این بحث به وجود آورده است، زیرا طبق این ماده اگر جنایت مستند به تمام عوامل باشد (در فرض ما مستند به دو یا چند مباشر) به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول اند. نگارندگان معتقدند این تشویش در بیان معیار در ماده ۵۲۶ موجب بروز مشکلات عملی خواهد شد. البته بدون تردید ماده مذکور بازتابی از رویه قضایی است که در زمان اجرای ماده ۳۶۵ قانون سابق، به شدت متمایل به تعیین میزان تأثیر و حکم به ضمان به نسبت تأثیر بوده است. انتقاد اساسی به ماده ۵۲۶، این موضوع است که نگرش ماده مذکور یک نگرش کیفری نیست بلکه مقنن استناد در حقوق کیفری را منحصر به تعیین ضامن دانسته است چرا که بیان نموده «چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد...» و سپس مشکل را حل شده تلقی کرده و اقدام به تبیین میزان مسئولیت در پرداخت خسارت نموده است. در حالی که در مسائل کیفری مشکل به این نقطه باز می‌گردد که آیا رابطه استناد موجود است یا خیر؛ یعنی یک مرحله پیش از حکم موضوع ماده ۵۲۶ شاید تعیین رابطه علیت یا استناد در موضوع جمع دو مباشر آسان باشد ولی به هنگام جمع دو سبب همین نکته اساسی است که موجب بروز مباحثات و اختلافات بین علمای حقوق کیفری می‌شود.^۳

۱. حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، شرایع الاسلام، جلد ۳، قم، انتشارات اسماعیلیان، ص ۱۸۶.

۲. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق، مسالک الافهام، جلد ۱۲، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ص ۱۶۳.

۳. محسنی، فرید، ملکوتی، نصیر، ۱۳۹۴، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، سال

در مورد نحوه مسئولیت مباشر در فرض مسئول دانستن هر دو نیز باید گفت مسئولیت تضامنی عاملین متعدد در حقوق ایران یک استثناء است و با اتخاذ ملاک از ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی باید قائل به مسئولیت نسبی عاملین متعدد و از جمله سبب و مباشر بود.

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.»

معیار مزبور، معیاری قاطع و بی انصاف است و بحثی درباره شیوه تقسیم خسارت باقی نمی‌گذارد. معیار تقسیم مسئولیت به تساوی در دیگر نظام‌های حقوق نیز دیده می‌شود ولی مطلق نیست و معمولاً در فروض خاصی که معیارهای دیگر قابل اعمال نیستند، اعمال می‌شود. مثلاً در فرانسه اگر خسارت ناشی از چند وسیله نقلیه موتوری باشد و رانندگان هیچ یک مقصد نباشد، خسارت به طور مساوی بین آنان تقسیم می‌گردد، در حایی که اگر مقصر باشند تقسیم خسارت بر اساس درجه تقصیر خواهد بود.

شرط تحقق مسئولیت کیفری، وجود رابطه سببیت است و این بدان معنی است که رابطه سببیت در کنار شروط دیگر مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد. یعنی اگر رابطه سببیت برقرار نشود، مسئولیت کیفری وجود نخواهد داشت، ولی وجود رابطه سببیت، به تنهایی برای ایجاد مسئولیت کیفری کافی نیست. علت اشتراک رابطه سببیت برای مسئولیت کیفری، این است که جرم بدون وجود رکن مادی محقق نمی‌شود و رابطه سببیت، یکی از اجزای این رکن است. علت کافی نبودن رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت کیفری نیز این است که برای پیدایش جرم، رکن مادی به تنهایی کافی نیست، بلکه ارکان دیگری لازم است که رابطه سببیت نقشی در آنها ندارد.^۱

مصادیق و مثال‌های مصرحه در قوانین موضوعه ایران و کتب فقهی

اعمال ولایت حاکم شرع در فقه نیز، در صورتی که قاضی نتواند خواندگان را به مصالحه دعوت کند یکی از راه‌های نهایی استناد به ولایت قاضی شرع است که بر

۱. گنجی، مریم، معیارهای تشخیص و مصادیق سبب اقوی از مباشر در قوانین جزایی و فقه، فصلنامه بین‌المللی قانون

این اساس، وی می‌تواند حکم به توزیع جبران خسارت‌های وارد شده کند.^۱ در این صورت، او می‌تواند برای جلوگیری از هرج و مرج و به منظور فصل خصومت، با فرض مسئولیت مشترک برای خواندگان، هر یک را مسئول جبران نسبتی مساوی از خسارت تلقی کند.^۲

صاحب کتاب عناوین موارد متعددی را به عنوان مثال ذکر می‌کند که فقها معتقدند در این گونه موارد، حاکم از باب ولایت خویش دخالت و تصرف می‌کند، مانند ولایت او در مال امام (ع) و ترکه کسی که وارث ندارد، ولایت در اجرای حدود و در قضاوت کردن میان مردم، در اخذ مقاصه از مال شخص غایب، در اجبار کردن شخص ممتنع به پرداخت نفقه و در طلاق دادن زوجه مفقودالاثر. به تعبیر ایشان، فقها در این گونه موارد، به عمومیت ادله‌ای که دال بر ولایت حاکم شرع است، استناد می‌کنند. و در این صورت، اخذ غرامت از مظنونان احتمالی در مساله مورد بررسی، می‌تواند یکی از اقدامات حاکم شرع جهت اجرای حکم لزوم جبران خسارت باشد.

شهید اول، معیار و ضابطه ولایت حاکم را هر قضیه‌ای می‌داند که در آن نسبت به اثبات یا نفی یا کیفیت چیزی نزاع و اختلاف وجود داشته باشد. همچنین در هر موردی که علما اختلاف داشته باشند، مانند ثبوت حق شفعه یا نیاز به تعیین قیمت باشد، مانند ارش و نفقه، یا در موردی که باید مهلتی تعیین گردد، مانند ایلاء وظهار، این امور به حاکم غایب، مانند ودیعه‌ها و اموال پیدا شده، از اختیارات حاکم است.^۳

ملا احمد نراقی نیز دو وظیفه کلی برای حاکم بر می‌شمرد:

۱ - هر وظیفه‌ای پیامبر (ص) یا امام (ع) داشته، حاکم نیز دارد مگر آن چه به دلیل

خاص استثناء شود

۲ - هر کاری که به امور دنیوی یا اخروی مردم مربوط باشد و بناچار باید انجام شود و عقلاً یا عادتاً نمی‌توان از انجام آنها گریخت. البته در صورتی که زندگی یا معاد یکی یا

۱. لطفی، اسدالله، قواعد فقه حقوقی، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴

۲. میر عبدالفتاح حسین مراغی، العناوین، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق. ج ۲، عنوان ۷۴، ص ۵۶۲ به بعد.

۳. لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسئولیت مدنی، ۱۳۹۳، نشر جنگل، جاودانه، ص ۳۱۶

گروهی از مردم به آن وابسته باشد و نظم امور دینی یا دنیوی شرعاً بدان جهت به آن منوط باشد که درباره آن، اجماع، نفی ضرر یا ضرر، نفی عسر و حرج، نفی ایجاد فساد به ضرر مسلمانان، یا به هر دلیل دیگری یا اذن شارع برای ورود در آن رسیده باشد و برای یک شخص یا گروهی معین یا نامعین، تکلیفی قرار داده نشده باشد؛ بلکه تنها لزوم انجام آن و اذن شارع نسبت به آن، دانسته شده باشد بی آنکه امر مورد تکلیف یا اذن، شناخته شده باشد. اینها از وظایف فقیه است.

بدین ترتیب می‌توان، و بلکه باید، تعیین تکلیف نهایی در مساله ضمان سبب مجمل را نیز به قاضی و حاکم شرع واگذار کرد.

مسئولیت تضامنی تمام اعضاء گروه

در حقوق ایران برخی معتقدند که مسئولیت مسئولان متعدد، تضامنی است؛ چون خواندگان متعدد باهم خسارت را ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان چنین مسئولیتی را تجزیه کرد. آن‌ها برای اثبات نظریه خود به برخی قوانین موضوعه نیز استناد کرده و معتقدند در ایجاد مسئولیت، نوعی همبستگی و ارتباط بین «ضامنان» به وجود می‌آید که در اصطلاح «تضامن» گفته می‌شود.^۱

در مورد مبنای تضامن گفته شده است، چون مسئولیت قهری مرتکبان مبتنی بر خطا و تقصیر است وقتی چند نفر، هر یک سبب تحقق زیان می‌گردند، پس باید هر یک، مسئول کل خسارت باشند و در مسئولیت خارج از قرارداد، مسئولیت «تضامنی» است اما در مسئولیت قراردادی چنین مبنایی وجود ندارد.

بر اساس این نظر، با توجه به این که از طرفی حادثه زیان بار مشترکاً توسط نامبردگان انجام نگردیده و از طرف دیگر عدم امکان ترجیح یکی بر دیگری، برای آن‌ها مسئولیت تضامنی پیشنهاد شده است. به تعبیر دیگر باید برای همه افرادی که وارد کننده زیان عضوی از آن‌ها بوده، مسئولیت تضامنی قائل شد.^۲

هرچند این نظر سهولت بیشتری برای زیان دیده جهت جبران خسارت فراهم مری

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، حقوق تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر میزان، جلد ۱، ص ۳۰۶.

۲. صفایی، سید حسین؛ حبیب الله رحیمی، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی. چاپ چهارم، انتشارات سمت، ص ۲۷.

کنند، ولی ضمن اینکه فاقد مبنای عقلی و منطقی است در مقایسه با نظر اول که توسل به قرعه است منجر به بی‌عدالتی بیشتری نسبت به اشخاصی که در حادثه زیانبار دخالت نداشته‌اند، می‌گردد. ضمناً با توجه به اینکه مسئولیت تضامنی صرفاً در صورتی امکان‌پذیر است که حادثه زیانبار به نحو مستقل به هریک از اشخاصی که در حادثه زیانبار دخالت دارند انتساب داشته باشد، ولی در این مورد حادثه زیانبار صرفاً ناشی از فعل یکی از چند نفر می‌باشد و دیگران هیچ دخالتی در آن نداشته‌اند.

در حقوق فرانسه نیز در مسئولیت قهری در صورت تعدد اسباب، اصل بر تضامن است. در رویه قضایی فرانسه نیز در مسئولیت قهری، هرگاه چند شخص مسئول یک خسارت باشند بر اساس اصل تضامن مسئولان عمل می‌شود یعنی هرکس تعهد دارد کل خسارت را جبران کند.

حقوقدانان طرفدار تضامن، مصادیقی در حقوق ایران مطرح ساخته‌اند که در آن مسئولیت تضامنی است و از مجموع این مواد، چنین برداشت نموده‌اند که در مسئولیت قهری اصل بر تضامن است؛ به عنوان مثال ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «در ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی را وارد سازند، متضامناً مسئول جبران خسارت می‌باشند.» و بنابراین از وحدت ملاک این ماده استفاده کرده‌اند و گفته‌اند که این ماده خصوصیت نداشته و از باب تمثیل است و مسئولیت کارگران را می‌توان به موارد مشابه سرایت داد.^۲

یکی از حقوق دانان^۳ در خصوص این ماده می‌گوید: «...می‌توان از ماده ۱۴ کمک خواست و استنباط نمود که تمامی اشخاص که همگی به وسیله فعالیت مستقیم خود

۱. ماده ۱۲ قانون م.م: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌کرده به عمل آورده.... کارفرما می‌تواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نمایند.»

۲. عبدالمجید امیری قائم مقامی، ص ۳۰۶؛ سید حسن امامی، ج ۴، ص ۴۳.

۳. سید حسن امامی، ج ۴، ص ۴۴. مراجعه شود به کتاب مسئولیت مدنی، دکتر اسدالله لطفی، انتشارات مجد، ۱۳۹۳، چاپ اول.

مرتکب خسارت شده‌اند، متضامناً مسئول جبران در مقابل متضرر باشند... ماده ۱۴ اگرچه در مورد کارگران و کارفرمایانی است که مشمول قانون کار هستند، ولی چون حکم «تضامنی» بر مبنای فعالیت چند نفر در ایجاد امر واحد است نه بر مبنای مسئولیت در قانون کار، بنابراین می‌توان حکم ماده را بر تمامی موارد مشابه سرایت داد. برخی دیگر گفته‌اند: «شکی نیست که ماده ۱۴ اصل کلی چگونگی تقسیم مسئولیت دسته جمعی را اعلام داشته و اشاره به ماده ۱۲ از باب تحدید نبوده است بلکه از باب تمثیل بوده است».^۱

در توجیه این نظریه گفته‌اند، مسئولیت تضامنی، به سود زیان‌دیده، ولی خلاف اصل است.^۲ این روش بیشتر حق زیان‌دیده را تضمین می‌کند و او را با اعسار خوانده مواجه ساخته و به عدالت و مصلحت نزدیک تر است.^۳ در مقابل اکثریت حقوق دانان معتقدند اگرچه در حقوق ما مسئولیت تضامنی سابقه دارد ولی هیچ‌گاه نمی‌توان از آن به عنوان یک اصل و قاعده کلی استفاده کرد بلکه به صورت خاص و استثنایی مطرح است زیرا در حقوق اسلامی هر کس تنها پاسخگوی اعمال خویش به نسبت تأثیر یا تقصیر خود است (اصل شخصی بودن مسئولیت) مگر قانون‌گذار خود به تضامنی بودن آن تصریح نماید. لذا در پاسخ به موادی که در آن‌ها بر مسئولیت تضامنی استناد شده است نیز باید گفت: «از استقراء در موارد خاص نمی‌توان به حکم کلی رسید زیرا این قوانین به طور استثنایی و مبتنی بر علل خاص بوده است به عنوان مثال مسئولیت تضامنی غاصبان به لحاظ شدت برخورد با آن‌هاست^۴ و همگان می‌دانند که مسئولیت غاصبان یک حکم استثنایی است». یا ماده ۱۰۸ قانون ثبت^۵ به این خاطر بوده که مرتکبین کلاهبرداری دارای مسئولیت مدنی

۱. عبدالمجید امیری قائم مقامی، ص ۳۰۶

۲. صفایی، سید حسن، ۱۳۹۲، «ضابطه تقسیم مسئولیت مدنی در فرض تصادم دو وسیله نقلیه»، فصلنامه مطالعات آرای قضایی رأی، سال دوم، شماره ۲، ص ۳۴

۳. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ص ۵۴۷.

۴. «الغاصب يأخذ بأشق الأحوال».

۵. بند الف ماده ۱۰۸ ق.ت: «اگر کسی که ملک به اسم او ثبت شده مشمول مقررات یکی از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۹ باشد شخص او و امین هر دو به عنوان مجرم اصلی به مجازات کلاهبردار محکوم شده و نسبت به خسارات مدعی خصوصی متضامناً مسئول خواهند بود».

شدیدتری هستند و باید با آن‌ها مثل غاصبان عمل کرد و یا ماده «۹۴» قانون امور حسبی^۱، به جهت حمایت از محجورین تنظیم شده است.

مسئولیت تضامنی مذکور در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نیز استثنایی است و اصل این است که هرکس مسئول جبران خسارتی است که از فعل خود او وارد می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان این مسئولیت را به موارد دیگر گسترش داد.^۲

از طرف دیگر، کسانی که بر عکس به تضامنی بودن مسئولیت اعتقاد دارند، در نهایت در تقسیم مسئولیت به نظریه نسبی بودن بازگشته‌اند، برای مثال گفته‌اند: «حکم تضامنی را انصاف نمی‌پذیرد به اضافه، مسئولیت تضامنی کسانی که به اشتراک ضرری را به بار آورده‌اند جایی عادلانه است که در مرحله دوم به نسبت مداخله‌ای که دیگران داشته‌اند به آنها بتوان رجوع کرد. در نتیجه هیچ‌گاه بار تقصیر کسی بر دوش دیگری نهاده نمی‌شود، پس باید خواننده را به نسبت درجه مداخله او در ضرر مسئول دانست چنانکه از ماده ۱۱۴ قانون دریایی نیز این نتیجه به طور ضمنی استنباط می‌گردد».^۳

بنابراین، به نظر می‌رسد در حقوق ایران غیر از موارد خاص که در آن‌ها بر تضامن تصریح شده، باید در سایر موارد و از لحاظ نظری، تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تقصیر یا تأثیر که امری منطقی و عادلانه است را ملاک قرار داد.

۱. ماده ۹۴ ق.ا.ح: «در صورتی که قیم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نماید هریک از آن‌ها مسئولیت تضامنی دارند...»

۲. صفایی، سید حسین، ۱۳۷۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران: نشریه موسسه عالی حسابداری، ص ۵۶۸.

۳. ناصر کاتوزیان، پیشین، ۳۰۴.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر میزان، جلد ۱.
۲. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، جلد ۳، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۳. خمینی، امام روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. صفری، محسن، پاک طینت، حسن (۱۳۸۹)، مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت ها و کارکردها، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
۵. عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، جلد ۱۲، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۶. قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۷۷)، الزامات و مسولیت مدنی بدون قرارداد، جلد دوم، انتشارات میزان.
۷. کریمی، عباس (۱۳۶۵)، ادله اثبات دعوا، نشر میزان، چاپ اول.
۸. گنجی، مریم (۱۳۹۸)، معیارهای تشخیص و مصادیق سبب اقوی از مباشر در قوانین جزایی و فقه، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره سوم، شماره دوازدهم.
۹. لطفی، اسدالله (۱۳۹۳)، قواعد فقه حقوقی، انتشارات جاودانه.
۱۰. لطفی، اسدالله (۱۳۹۳)، سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسئولیت مدنی، نشر جنگل، جاودانه.
۱۱. محسنی، فرید، ملکوتی، نصیر (۱۳۹۴)، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم.
۱۲. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری.
۱۳. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۴۱۲ق)، جواهرالکلام فی شرایع الاسلام، جلد ۳۷، انتشارات بیروت.
۱۴. هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق)، موسوعه الفقه الإسلامی، ج ۹، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول. جلد سوم.
۱۵. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، قواعد عنومی مسئولیت مدنی، نشر میزان، جلد ۱.